

اما قبرستانی که در حوالی خوابگاه الجایتو سلطان باشد و سنگ های آن همه ذی قیمت و با دقت زیاد منقور و بخطوط اعلا منقش شده ممکن نیست. قبرستان عمومی مردمان باشد. بلکه مقابر اعیان و ارکان دولت مغول بود. که دست تطاول زمان آنرا بحال اسفناک امروز انداخته است. گذشته از سنگ خط چنانکه از روی تاریخ وفات صاحبان مقابر که در روی سنگها نوشته مستفاد میشود تاریخ احداث آن بعد از دوره سلطان محمد خدا بنده (۷۱۷ هـ ج) است

فی الواقع منظر این مقابر با وضع سنگ های عظیم که در بعضی نقاط سر از خاک بیرون کرده و در پاره موارد و بکلی در دل زمین فرو رفته اند بی اندازه شخص ناظر را متاثر میکند .



ارزش « دینار » و « تومان »

در قرون مختلفه

بقلم آقای کسروی

بر خوانندگان آینده پوشیده نیست که در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس بول معمول و نقد رایج ممالک اسلامی « دینار » و « درهم »^(۱) بود که اولی را از طلا (بوزن ۲۲ نخود کمایش) و دومی را از نقره (بوزن ۱۵ نخود کمایش) سکه میزدند .

دینار و درهم از آغاز پیدایش اسلام تا قرن هفتم هجری که مغولان دستگاه خلافت برجیدند نقد رایج ممالک وسیع اسلامی و از رایجترین و معروفترین نقود دنیا بوده است . پس از آنهم تا قرنهای کلمه « دینار » و « درهم » در معاملات و محاسبات ایران معمول و باختلاف

(۱) بول سیمی فلوس بوده که از مس سکه میزدند . و بایسد دانست که اصل کلمه دینار لاتینی واصل کلمه های درهم و فلوس یونانی است

زمان قیمت های مختلف داشته اند ؛ چنانکه دینار اکنون هم معمول و « واحد تقسیمی^(۲) » نقود ایرانست ، یعنی اگرچه پولی با اسم دینار وجود خارجی ندارد لیکن حساب همگی نقود بوسیله آنست ، چنانکه یکشاهی را پنجاه دینار و یکقران را هزار دینار حساب می کنند . در واقع از صدر اسلام تا کنون در هر دوره کلمه دینار در محاسبات و معاملات ایران دخیل و معمول بوده ، لیکن بدیهی است که دینار امروزی بادینار صدراسلامی قابل مقایسه نیست و تفاوت بیحد با هم دارند ، زیرا چنانکه خواهیم دید قیمت هر یک دینار اسلامی کمتر از پانزده قران کنونی بوده ، ولی از دینار امروزی هر هزار تا یکقران است ، عبارت آخری دینار امروزی ۱۵۰۰۰ بار کوچکتر از دینار اسلامی می باشد

در اینجا دو موضوع مهم درخور مطالعه و جستجوست : نخست

آنکه اینهمه تفاوت در ارزش و میزان قیمت دینار از کجا آمده و علت چه بوده است ؟ و آیا این تنزل فاحش بیکیار رخ داده یا بتدریج و بمرور زمان ؟ دوم آنکه کلمه دینار که گفتیم از صدر اسلام تا کنون در محاسبات و معاملات ایران دخیل و معمول بوده در هر دوره چه قیمت و ارزشی داشته است ؟ مثلا دینار دوره مغول یا دوره صفویه دارای چه قیمت بوده و با دینار اسلامی چه تفاوت داشته اند ؟

بدیهی است که دو موضوع کاملا مربوط بهم و هر دو مهم است و دومی اغلب مورد احتیاج اهل مطالعه و درخور آنست که موضوع بحث کتاب جداگانه گردد ، مثلا اسکندر بیک منشی در عالم آرا در شرح حادثه ای میگوید « تمامی دواب و اغنام وما یعرف انقوم . . . بتاراج حادثات رفت چنانکه گوسفند خوب در اردوی معالی به نیم درهم که پنجاه

(۲) این اصطلاح از گنج شیگان آقای جمال زاده اقتباس شده

که در مقابل عبارت فرانسوی Monnaie de Commerce وضع کرده اند .

دینار عراقی باشد و یکرأس گاو بدو درهم یعنی دوپست دینار عراقی خرید و فروش می‌شد^(۲) .

البته در این عبارت تا معنی و میزان دینار و درهم درست معلوم نگردد مقصود مؤلف فهمیده نشود ، چه بدیهی است که دینار صدر اسلام مقصود نمی‌باشد زیرا گوسفندی به ۷۵۰ قران (که تقریباً قیمت امروزی پنجاه دینار اسلامی است) معقول نیست و انگهی بر خلاف غرض مؤلف است چه او میخواهد فراوانی اموال تاراجی و ارزانی آنها را بیان نماید ، همچنین دینار امروزی نیز مقصود نیست چه گوسفندی بیکشاهی و گاو یك عباسی معقول نمی‌باشد ، پس ناچاریم که میزان ارزش و قیمت دینار و درهم را در زمان شاه عباس پیدا کنیم و البته نظیر همین احتیاج را نسبت بهر دوره و عصر داریم .

نگارنده مقاله در باب این دو موضوع فرصت جستجو چنانکه میباید نداشته، جز چند مطلب که ذیلاً مینگاریم تحقیق کردن نتوانسته ام و غرض عمده از نشر این مقاله آنست که خوانندگان فاضل آینده با نشر اطلاعات خود در این باب مساعدت فرمایند .

اما چند مطلبی که من تحقیق کرده ام :

(۱) در باره وزن دینار و درهم صدر اسلام از کتابها اطلاع درستی بدست نمی‌آید لیکن مقدار فراوانی از دینار و درهم آزمانها در موزه های اروپا و در دست اشخاص موجود است و از سنجش آنها پیدا است که وزن دینار روپهمرفته ۴٫۳ گرام (۲۲ نخود کمایش) ، و وزن درهم روپهمرفته ۳ گرام (۱۵ نخود کمایش) بوده است

(۲) رواج و کمیّت قیمت دینار موقوف بکیفیت عیارش بوده معمولاً هر دیناری با ده درهم مبادله می‌شدی ، لکن برخی دینارها که بلند عیار بوده رواج و قیمت بیشتر داشته است ، از جمله دینار جعفری که گویا سکه زمان هرون الرشید و جعفر برمکی بوده شهرت بسیار

داشته و شعرای ایران هم در شعرهای خود یاد آن بسیار کرده اند^(۲) همچنین ناصرالدوله همدانی در سال ۳۳۰ در بغداد دینارهایی سکه زده بود که «ابریزی» نامیده و بجهت بلندی عیارش هر دیناری را سیزده درهم صرافی میکردند^(۳).

واضح است که تقره در آنزمانها بفراوانی و ارزانی امروزی نبوده، زیرا ۲۲ نخود طلا که وزن و جنس دینار بوده هر قدر هم کم عیار باشد با منظره و بول امروزی حتماً کمتر از پانزده قران نیست و از این قرار هر درهمی که معمولاً ده يك دینار محسوب می شده سی شاهی امروزی قیمت داشته است با آنکه ۱۵ نخود تقره که وزن تقریبی درهم است امروز بیش از ده شاهی قیمت ندارد.

(۳) پادشاهان مغول در ایران پولی از طلا داشته اند که بترکی و مغولی «آتون» نامیده و ایرانیان دینار میخواندند. وزن درست این سکه را بدست نیاورده ایم ولی از دقت در نوشته های حمدالله مستوفی در کتاب نزهت القلوب برمیاید که از حیث قیمت سه بنجم دینار اسلامی محسوب میشده و از این قرار تقریباً معادل نسه قران یا ده قران امروز بوده است.

اما کلمه «تومان» که بترکی و مغولی بمعنی ده هزار و مرادف «یور» فارسی است گویا پیش از مغولان و از عهد سلجوقیان در ایران معروف بوده است. بهر حال هر یکتومان مغولی معادل ۱۰۰۰۰۰ تومان امروز بوده، مثلاً مستوفی مالیات زنجان و ولایتش را در زمان خود دو تومان می نویسد که تقریباً معادل ۲۰،۰۰۰ تومان کنونی است.

(۴) قطران میگوید:

ابوالخلیل خداوند خسروان جعفر که نام جعفر بستمرد دستش از دینار
همو گوید:

تاج میران جلیل آرام گیتی بوالخلیل جعفر آنکو کرد ز جعفری را رایگان

(۵) بحوادث سال ۳۳۰ در کامل التواریخ رجوع شود